

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

روانشاد عبداللطیف صدیقی لندری

## دل پُرخون میهن

صد زمین و آسمان با آه و افغان سوختیم  
با دو چشم خـون فشان با راز پنهان سوختیم  
از زمین و از هوا با توپ و هاوان سوختیم  
صبح و شام از ناله و فریاد طفلان سوختیم  
دشت پیما گشته ام در دشت و دامان سوختیم  
با چنین خونخوارگی از دست گرگان سوختیم  
در حریم کوی میهن بس نمایان سوختیم  
دور از میهن شدم با چشم گریان سوختیم  
آتش سوزان نهان زار و پریشان سوختیم  
از شرارت های شان از مکر شیطان سوختیم  
هموطن برباد شد در شام هجران سوختیم  
از دو دست دشمن شـداد و نادان سوختیم  
رفته از کف خانه ما، خانه ویران سوختیم  
این فضای سینه را با داغ حرمان سوختیم  
مست مستان اند و ما در سوز سوزان سوختیم  
ای دریغا هموطنـن در آه توفان سوختیم

از دل پرخون میهن زار و نالان سوختیم  
هموطن را جز رشادت نیست در حفظ وطن  
درس عبرت ده به دشمن، رزمجو افغانیان  
کی مرا باشد پناه هموطن در مأمَن  
ای خدایم با که گویم این حدیث قلب زار؟  
هر طرف بنگر بچشم هموطن اشک است و غم  
روز و شب با مرغ حق صد ناله دارد این دلم  
همچو دودی گم شدم از کشورم با قلب زار  
ناله ها سر میکنم در پرده های سوز و ساز  
گشته از خون شهید هر سو چراغان این وطن  
می تپد در خاک و خون جان و دلم از ناکسان  
از دو چشم اشکبار طفلکان آگه نیند  
آتش دل، سوز پنهان، ناله زارم نگر  
می دهد آزار دشمن تار و پود جان ما  
چون نظر کردم به چشم سر بدیدم غاصبان  
در درون سینه ام جـز آه آتشبار نیست

مینگر هر سوی غمهای دوصد چندان ما از تگـرگ ناله این نوجوانان سوختیم  
شش جهت بنگـر و پندارم لهیب درد و آه از فضای آتشین، چون شمع لرزان سوختیم  
اشک رنگین لطیفم را نگر ای هموطن  
با سرشک خون و با اندام بی جان سوختیم

**"توفان"** یعنی "در حال توفیدن" و در معنای "خروشان" است و با "طوفان" یکی نیست.

( کانادا - 15 اپریل 2010 )